



## سیاست آنها عین دیانت ما نیست!

### زیرساخت‌های حکمرانی مردمی

هادی نجفی  
دانش‌آموخته دکتری حرفه‌ای دامپزشکی

نظریات متفاوتی در مورد حکومت بر جامعه وجود دارد. از مردم‌گرایی صرف منتج به دموکراسی، تا دین‌سالاری صرف منتج به استبداد دینی. لکن مردم‌سالاری دینی، موضوعی فراتر از بحث‌های فوق است که ارزش‌گذاری دقیق دین و مردم در کنار یکدیگر را مطرح می‌کند.

امت واحده سرمایه‌های عظیمی هستند که پیامبر اعظم (ص) از آنان به عنوان معادن طلا و نقره یاد می‌کنند. به تعبیر امام خمینی - در پاسخ به ائمه جمعه سراسر کشور - تشکیل و بقای حکومت بستگی به آرای اکثریت مسلمین دارد که در گذشته با نام بیعت یاد می‌شد. مسلم است که این بیعت، مشابه بیعت مردم با امیرالمومنین است، نه آن شیوه بیعتی که حجاج بن یوسف‌ها گرفته‌اند؛ آگاهانه و آزادانه.

در شرایطی که برخی، مردم‌سالاری و مشارکت مردم را در رای‌گیری و انتخابات خلاصه می‌کنند، حضرت امام نظر متفاوتی دارند. ایشان معتقدند که اگر مردم بیایند و مثلا ۵۰۰ ملا را انتخاب کنند که جای مردم بنشینند،

## سخن سردبیر

معصومه صحت  
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی

دنیا همین است! خوب یا بد، خیر یا شر، خوشی یا ناخوشی، عشق یا نفرت، شیرین یا تلخ و... سخن از هر آنچه گویی، حق و باطلی در آن است. پنجره را که پاک می‌کنی، به هفته‌ای نکشیده، غبار کثیفی رویش را می‌گیرد.

جنگل را که کثیف کنی، مدتی نمی‌گذرد که آثار نابودیش را به چشم خویشتن می‌بینی. انتخاب اشتباهی بکنی، تا آخر عمر به خاطر عواقبش خواهی سوخت.

پس اگر مسئولان ناکارآمدی را انتخاب کنی، ریشه پیشرفت یک جامعه را خشک می‌کنی. گاهی گره کور می‌زنیم، در حالی که می‌توانستیم گره‌گشای مشکلات باشیم.

دانشجویان عزیز! تیم نشریه خط دانشجو تمام تلاش خود را کرده است تا انتخابات را از ابعاد مختلفی بررسی کند و امیدوار است که پاسخی مناسب به سوالات شما در این حیطه بدهد.

این سومین و آخرین شماره از ویژه‌نامه‌های انتخابات "نقش من" است.

عده‌ای نمی‌خواهند انتخابات آن‌طور که شایسته ملت است، برگزار شود و تلاش می‌کنند مردم را مأیوس و بی‌اعتماد کنند.

دشمنان سعی می‌کنند که وانمود کنند انتخابات تأثیری در بهبود شرایط ندارد؛ در مقابل این‌ها جهاد تبیین ضروری است. انتخابات فرصتی برای ورود افکار جدید در چرخه تصمیم‌گذاری‌های کشور و حل‌کننده بسیاری از مشکلات بین‌المللی کشور است.

قضاوت ناظران بین‌المللی نسبت به کشورها و برخوردی که باید با کشورها داشته باشند، بسیار به چنین مسائلی وابسته است. آن‌ها به اینکه مسئولین کشوری چگونه و با چه حجمی از پشتیبانی انتخاب می‌شوند، بسیار اهمیت می‌دهند.

از دیدگاه رهبری، هرکس با انتخابات مخالفت کند، با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است. انتخابات یک وظیفه است و احساس وظیفه نسبت به انتخابات، وظیفه یک جامعه مجاهد است.



سپس خود مردم به خانه برگردند، این نوع حکومت‌داری، خطرش بزرگتر از خطر جدایی دین و سیاست است. مردم‌سالاری دینی یعنی بر اساس دین اسلام، سالار زندگی مردم، خود مردم هستند.

مردم باید در تمامی امور حکمرانی شرکت داشته، در برخی مسائل مستقیماً اظهار نظر کرده و در برخی از طریق واسطه‌هایی که خود انتخاب می‌کنند، تأثیر گذار باشند.



## جمهوری اسلامی نیمه گاره دوروی سکه انتخابات

فاطمه یوسفی  
دانشجوی کارشناسی روانشناسی

بعد از انقلاب اسلامی، کشور ما به کشوری مردم‌سالار تبدیل شد. مردم‌سالاری در نظام اسلامی، همچون سکه‌ای است که دو روی دارد. در یک روی سکه برای مردم حقوقی قرار داده شده است که باید متصدیان امر به دنبال تحقق آن حقوق باشند. در روی دیگر سکه، مردم در قبال اتمام به امور جامعه و حکومت مکلف هستند. در حقیقت مردم‌سالاری در اسلام هم برای متصدیان امر تعهد ایجاد می‌کند، هم برای خود مردم.

از آنجایی که در انتخابات مجلس شورای اسلامی، نمایندگان آنی که مردم انتخاب می‌کنند، وارد مجلس خواهند شد، لذا انتخابات برای مردم ما یک فرصت و برای دشمنان این ملت یک تهدید است.

## این جمهوری اسلامی دیکتاتور!

انتخابات در انحصار هیچ کس نیست.

امین رستمی  
دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

"سالی که نکوست از بهارش پیداست". سال‌های ابتدایی حیات جمهوری اسلامی، با توجه به هیجانات طبیعی دوران پس‌انقلاب، در اوج بودن محبوبیت امام و جنگ هشت ساله، بازه زمانی خوبی است تا عملکرد جمهوری اسلامی را در عمل به مردم‌سالاری سنجید.

دوران پس‌انقلاب‌ها معمولاً آستان حوادث افراط‌گونه



## سیاست، بدون حضور زنان

### در مسیر پر پیچ و خم تکلیف

رحیمه آذر نیوشه

دانش‌آموخته کارشناسی رشته علوم تربیتی

شرکت در انتخابات، تکلیفی است که بر همه واجب است. چه زن و چه مرد، و به طور کلی بر هر کسی که به سن قانونی رای دادن رسیده است. سستی در این امر، تیرهای زهر آگین دشمنان را هدایت می‌کند. در واقع نهایت انتخابات این است که اسلامی را که همه قبول دارند و معتقد به آن هستند را حفظ می‌کند.

رسالت حضور در هر یک از امور کشور مثل انتخابات، برای همه واجب است و تفکیک جنسیتی ندارد و این یعنی اینکه زنان نیز باید همچون مردان در عرصه‌های سیاسی فعالیت داشته باشند. تفکری که زنان را تنها در فسادخانه‌های اخلاقی محدود و بولد می‌کند، سیاستی است برای گریز از انجام وظایفی که برای همه ضروری است. در اسلام نیز به دخالت زن در امور سیاسی اشارات فراوانی شده است و الگوهایی مثل حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) و... دارد.

دخالت در سیاست و مقدرات اساسی کشور حق و تکلیف زنان است؛ بنابراین در احساس و مسئولیت عمومی، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. یکی از دلایلی که موجب تاکید بر مشارکت زنان در عرصه انتخابات می‌شود، این است که زنان، مدیر و محور کانون خانواده به شمار می‌روند و نقش بسیار مهمی در انتخابات دارند. پس ظرفیت ویژه‌ای برای اثرگذاری و بیدار کردن جامعه دارند و از طریق فرصت‌هایی که در خانواده وجود دارد، زن می‌تواند بر همسرش، فرزندانش و محیط پیرامونش اثرگذار باشد. عدم حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به نوعی منجر به خاموش ماندن و شنیده نشدن صدای نیمی از جامعه خواهد شد.

مطابق آمارهای بررسی شده در خیرگزاری ایسنا، در چهار انتخابات برگزار شده اخیر، رتبه توانمندی زنان ایرانی در سیاست تنزل یافته است. آمار حضور زنان در مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که هنوز باید برای افزایش حضور زنان در عرصه‌های سیاسی تلاش‌های بیشتری صورت گیرد.

است و می‌تواند به انحراف از آرمان‌های انقلاب نیز منجر شود؛ اما انقلاب اسلامی جنسش فرق می‌کرد. فروردین ۵۸، دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، همه‌پرسی تعیین نوع حکومت برگزار شد؛ برای اولین و آخرین بار در جهان! مردادماه هم انتخابات مجلس خیرگان قانون اساسی انجام گرفت. تا اسفند همان سال همه‌پرسی تایید قانون اساسی، انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نیز برگزار شد. پنج انتخابات فقط در سال اول!

از سوی دیگر، امام خمینی که در یازده سال رهبری خود همواره در اوج محبوبیت بودند، هیچگاه از اصول خود عدول و به مردم پشت نکردند. در حالی که به راحتی می‌توانستند با سوءاستفاده از محبوبیت خود، دموکراسی را دور بزنند. فی‌المثل در دوران انتخابات مجلس ۶۲، ایشان طی یک سخنرانی تند گفتند: "انتخابات در انحصار هیچ کس نیست... انتخابات مال همه مردم است و سرنوشت خودشان دست خودشان است... از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بعضی از اشخاص رفته‌اند گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است... یعنی مردم بروند سراغ کارشان... و چند نفر پیرمرد ملاً بیایند دخالت بکنند. این از آن توطئه سابق [سکولاریسم] بدتر است برای ایران."

همچنین ایران اسلامی ۸ سال درگیر جنگ و بمباران دشمن بعثی بود. اما طی همین زمان ۶ انتخابات در زیر آتش دشمن برگزار شد؛ هم در کل کشور و هم در مناطق جنگی. بی‌آنکه جنگ، بهانه‌ای برای دور زدن انتخابات باشد و دلیلی جهت انحصار.

القصد جمهوری اسلامی امتحان مردم‌سالاری دینی خود را در همان ده سال اول پس داده است و کنون نیز تلاش می‌کند این میراث را به خوبی ادامه دهد. ان شاء الله.





ما با حضور خود و انتخاب اصلح، می‌توانیم تاثیر شگرفی در آینده کشور ایفا کنیم. چون همه تصمیمات مهم کشور از طریق مجلس اتفاق می‌افتد. من با رای خوب می‌توانم در آینده کشورم تاثیر بگذارم.

اما ارتباط حل مشکلات اقتصادی با مشارکت انتخاباتی... به صورت خیلی واضحی باید توضیح داد که این ارتباط،

**یک ارتباط مستقیم است نه معکوس!**

یعنی هنگامی که مشکلات اقتصادی زیاد است، مردم هم باید با مشارکت بیشتر انتخاباتی و با "رای خوب" کسانی را بر سر کار بیاورند که کارآمدی بیشتری داشته باشند و در دوران آن‌ها سرعت بهبود مشکلات سریع‌تر شود. در وجه دیگران، ماجرا نیز قابل بیان است که عامل مایوس شدن مردم در یک جامعه، ذبح انتخابات و صندوق رای است، نه مشکلات اقتصادی. چه اینکه مشکلات اقتصادی اولاً همیشه هست و دوم، فقط مسئله ما نیست؛ بلکه در همه کشورهای دیگر جهان نیز وجود دارد. از طرفی رؤیت ناکارآمدی مسئولان توسط مردم نیز منطقاً نمی‌تواند دلیلی برای تحریم انتخابات و یا مشارکت نکردن باشد. بلکه اتفاقاً دلیلی بر مشارکت بیشتر مردم است؛ زیرا این مسئولان اجرایی طبعاً با "رای" روی کار آمده‌اند و انتخاب صالحان و کسانی که نمایه کارشان کارآمدی و لیاقت و کاهش مشکلات مردم باشد نیز منوط به رای خوب مردم است. در این برهه تاریخی اگر ما خوب انتخاب نکنیم، دیگران آن‌هایی را که خودشان می‌خواهند با رای دادن انتخاب خواهند کرد.

از جمله عواملی که مانع رشد حضور زنان می‌شود، پرهزینه بودن این حضور برای آنان و آسیب‌هایی که ممکن است خانواده‌هایشان در این مسیر ببینند. بنابراین زنان سعی دارند که در این حوزه‌ها، با احتیاط بیشتری وارد شوند و حضورشان در احزاب و دیگر فعالیت‌های سیاسی، به اندازه حضور مردان پررنگ نیست. این موضوع نشان می‌دهد در ایجاد عدالت جنسیتی موفق نبوده‌ایم. به این معنا که به زنان گفته‌ایم که شما هم‌پای مردان می‌توانید در انتخابات نامزد شوید، در حالی که ممکن است اکثریت زنان به لحاظ مالی و سیاسی توانایی شرکت در انتخابات را نداشته باشند.

**برای تثبیت حضور زنان در جامعه باید آگاهی و عملکردشان در حدی بالا برود که توان حذف‌شان از صفحه سیاست و کارهای اجرایی وجود نداشته باشد. حکومت نیز باید بتواند با انجام اقدامات گوناگون از جمله تقویت و گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی، مسیر را برای مشارکت سیاسی زنان و دخیل نمودن آنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی هموار کند.**

## ارتباط مستقیم است نه معکوس تاثیر رای خوب بر آینده کشور

مهدی محمدیان  
دانشجوی کارشناسی آموزش الهیات و معارف اسلامی تربیت شهید رجایی

امروز هیچ کس در این نکته شک ندارد که کشور نیاز به تحول دارد. اما به چه وضعیتی می‌خواهیم برسیم؟ یک عده نباشند، یک فکری نباشد، یک ساختارهایی نباشد، یک قوانینی نباشد. خب؛ به جای آن چه باشد؟ چه کسی مشخص کند که چه وضعیتی شکل بگیرد؟ خود مردم یا کسی غیر از مردم؟ حتماً می‌گوییم خود مردم. خود مردم یعنی چه کسی؟ یعنی همه؟ خب چطور نظر همه را به دست آوریم؟

**هر تحولی نیاز به حضور مردم دارد. حضور مردم دوگونه است. یکی حضور نفی‌کننده و یکی حضور اثبات‌کننده. حضور اثبات‌کننده نیاز به اعمال رای و نظر دارد. به گونه‌ای که به یک نظر واحد برسیم. شما راهی به جز حضور در انتخابات برای چنین اتفاقی سراغ دارید؟**

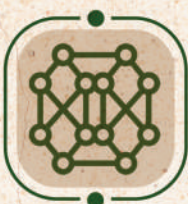


# #امیران قوی

بخوانید از رتبه های برتر جمهوری اسلامی ایران در جهان



رتبه سوم سازه های  
هیدرولیکی جهان



پانزدهمین کشور  
در زمینه فناوری نانو



رتبه اول رشد علوم پایه  
و علوم پزشکی در جهان



رتبه سوم سرعت  
توسعه یافتگی  
در بین ۱۸۲ کشور جهان



رتبه چهارم پیوند  
کلیه در جهان و  
اولین در منطقه



هشتمین کشور  
دارای چرخه کامل  
هسته ای در دنیا



رتبه چهارم رباتیک  
در دنیا



رتبه سوم علمی  
در آسیا



رتبه سوم پیوند  
مغز استخوان در جهان



ششمین کشور در زمینه  
سلول های بنیادین



رتبه دهم جراحی  
قلب دنیا



دهمین کشور دست یافته  
به فناوری لیزر بومی



## مجلس جای باکری‌ها است!

### از آبان ۹۸ تا ۲۳ شهریور

محمدحسین حاجی‌زاده  
دانش‌آموخته رشته اقتصاد

بنزین را ناگهان گران می‌کنند و آقایان می‌گویند صبح جمعه خیردار شدند. مردم برای اعتراض در خیابان‌ها تجمع می‌کنند و شعار سر می‌دهند. از طرفی، از مجلس انتظار لغو این مصوبه را دارند ولی نتیجه دلخواه مردم حاصل نمی‌شود.

کمی جلوتر می‌رویم. زمزمه استیضاح رئیس‌جمهور به گوش می‌رسد و برخی امید به استیضاح ایشان دارند. اما باز کاری انجام نمی‌شود.

۲۲ شهریور و فوت خانم امینی، مردم در اعتراض به فوت مشکوک ایشان به خیابان‌ها می‌آیند و خواستار رسیدگی فوری مجلس می‌شوند. اگرچه مجلس پیگیری می‌کند ولی وقتی که کار از کار گذشته است!

مگر انتظار نمی‌رفت مجلس خواسته‌هایی که در جریان‌های مختلف مطرح شد و از قضا قدرت کامل اجرای آن را داشت، پیگیری و عمل کند؟ پس چه شد؟

دست کم به این نتیجه رسیدیم که آری؛ در جمهوری اسلامی، مجلس یکی از قوی‌ترین و پراختیارترین قوه‌های کشور است و تا استیضاح شخص رئیس‌جمهور هم می‌تواند پیش برود. حتی معترضان در برهه‌های حساس انتظار یاری از مجلس را دارند ولی چرا کاری نمی‌کنند و مجلس دلخواه مردم تشکیل نمی‌شود؟

جواب در انتخاب ما است. انتخابی که به بهای سرنوشت کشور و ثروت نهفته ایران است!

**مجلس قدرت بالایی دارد، به شرطی که یک ایرانی حق‌شناس، باغیرت و مومن بر سر کار بیاید. نه فردی که با شام و نهار به مجلس بیاید!**

**مجلس جای افراد به ظاهر نمازخوان که پینه مهر بر پیشانی دارند نیست. مجلس جای افراد جهادی است. مجلس جای باکری‌ها است.**

در انتخاب مجلس خودمان، دقت کنیم تا فردی دزد در لباس خادم انتخاب نشود تا بعدا در مواقعی که مردم انتظار پشتیبانی دارند، سکوت کند.

فردی جهادی انتخاب شود.

## شصتی‌های باحیا؟ یا هفتادی‌های جسور؟

### هراس از فردای نیامده

ثمین محمدی قشلاق  
دانشجوی کارشناسی شیمی محض

این بار تصمیم دارم چوب عدالت را به دست هم‌مسلك‌های خودم بدهم. هم‌مسلك‌هایی که همه شما آن‌ها را با نام جوان ایرانی می‌شناسید؛ که از تازه‌ترین لقب‌هایش می‌توان به کمی بی‌رمق، روز به روز کم‌ذوق‌تر و پرس‌شده تحت فشارهای اقتصادی اشاره کرد.

جوان ایرانی تازمانی که از نسل دهه شصتی‌ها بود، عرق خجالت پیشانی‌اش اجازه نمی‌داد چیزی را بیش از یک بار بخواهد. حالا که دهه هفتادی جماعت، جوان جامعه شده است، اصلا نمی‌خواهد که چیزی را بخواهد. به همین سادگی...

اما این مملکت، مدیون فرزندان هر دو دهه است. هم مدیون حجب و حیای دهه شصتی‌ها، هم مدیون جسارت دهه هفتادی‌ها.

ولی آن چه چیزی باعث شده که این نسل تقریباً جهش‌یافته را با این لقب‌ها صدا بزنند، چیزی جز هراس از آینده نیست.

هراس فردای نیامده، باعث شده همه جوان‌ها در بشقاب غذای‌شان بیفتند و چون شنا بلد نیستند، خفه شوند. هراس فردایی که معلوم نیست چطور می‌آید، کاری کرده است که هر شب پتوها، جوان‌ها را ببلعند و ملافه‌ها، هورتشان کشند.

دروغ چرا! همه ما نگرانیم که بعد از پایان ماجرا، عروس‌مان به عروسی نرسد. عروسی با هزار جور بزک که هر رنگش را با امید و آرزو نقاشی کرده بودیم.

ما می‌ترسیم این دیزی که برای گوشنتش هر روز گلویمان را چشم انتظار یک لقمه بیشتر می‌گذاشتیم، وقتی جا افتاد، سرریز شود. و ما وحشت داریم که غنچه‌ها گل نشوند.

حالا تمام خواسته ما از انتخابات مشخص است. از آنجایی که زرق و برق و روشنایی فراداها نیامده است، کور شده‌ایم. چند دقیقه‌ای چراغ‌ها را خاموش کنید، شاید این بار شرف کسی درخشید.

و ما همیشه شنیده‌ایم،

آرزو بر جوانان عیب نیست...

# رهز را پیدا کن

## یک گام به سمت قله

گیسو حیدری  
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

هر کسی که باشی، با هر موقعیت و هر اندیشه و طرز فکری، بین من و تو ادبیات مشترکی به نام وطن جاری است. آری! این کلمه سه حرفی رمز پیوند ماست. دوست من! آن سربازی هم که در مرزها حافظ امنیت من و توست، با ما در آن ادبیات مشترک سهیم است؛ منتهی او از جهت قدرت سخت و من و شما با قدرت نرم. حال این قدرت نرم چیست؟ پاسخ، انتخابات است.



انتخابات، این پروسه گران بها که شاید در نظر ما ساده جلوه کند، معانی عظیمی در دل خود پنهان داشته است؛ انتخابات اگر قوی و با مشارکت همگانی پیش رود، یک گام به سمت قله است. چرا که نمایانگر مردم سالاری، حقوق شهروندی و مشارکت مردم در تصمیم گیری های سیاسی است. همین پروسه به ظاهر ساده، نمونه اراده ملی در برابر تمام کسانی است که قدرت ایران و ایرانی خاری است بر چشم شان! و در آخر، سخنی از ولی امر: «مشارکت مردم در انتخابات، یکی از مؤلفه های قدرت نرم کشور است. این قدرت نرم، در مقابله با قدرت سخت دشمنان، ما را تقویت می کند. این قدرت نرم، ما را در مذاکرات و گفتگوهای بین المللی، قوی می کند. این قدرت نرم، ما را در برابر تهدیدات و تحریم های دشمنان، مقاوم می کند. این قدرت نرم، ما را در تحقق اهداف انقلاب و اسلام، پیش می برد.»

## دور باطل چهارگانه برخی شبهات سیاسی

علی فرج الهی  
دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

۱. رای دادن تا حالا تاثیری در وضعیت کشور نداشته است. چرا رای بدهم؟

اگر تاثیری نداشت، چرا دشمن آتش توپخانه های رسانه ای خود را از چندین ماه قبل از انتخابات به روی مشارکت مردم در سرنوشت کشورشان گرفته است؟

۲. برای اعتراض به وضع موجود شرکت نمی کنم! صدای معترضین خاموش، هیچ وقت شنیده نشده است. به گواه تاریخ، تحریم انتخابات هیچ دردی از جامعه دوا نکرده است که هیچ؛ تنور خبثت دشمنان کشور را داغ تر کرده است.

۳. چه تضمینی هست که با رای دادن وضع بدتر از این نشود؟

چه تضمینی وجود دارد با بی تفاوتی ها مسائل و مشکلات کشور حل شود؟ اما تضمین به معنای واقعی کلمه امکان پذیر نیست. اما می توان از ظرفیت بالای ابزارهایی مانند مطالبه عمومی مردم، فشار رسانه ای، تعهد کتبی و اخلاقی و... استفاده کرد.

۴. در کشوری که رهبر همه کاره است، انتخابات چه نقشی دارد؟

با توجه به جریان های فکری دوره های مختلف مجلس، کدام فرد عاقلی، افرادی را انتخاب می کند که مخالف مبانی فکری اش هستند؟ اگر انتصابات هست، پس چرا از تمام احزاب سیاسی نماینده معرفی کرده و این همه برای انتخابات هزینه می کنند؟





## انتخابات، به نفع ما یا حکومت

### انتخابات یعنی انتخاب شدن و انتخاب کردن

مهديه احمدوند  
دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه ملایر

که مسئول صندوق‌ها مردم عادی نباشند و آن‌ها شمارش نکنند.

البته در این یادداشت به دنبال اقناع مخاطب نیستیم و صرفاً به دنبال گفت‌وگویی منطقی منطقی و نتیجه‌گیری آن هستیم که در هر گفت‌وگویی وجود دارد.

بیا بید به گونه‌ای دیگر نگاه کنیم؛ دو انسان می‌خواهند زندگی خود را تغییر دهند. یکی به دنبال تغییرات مختلف می‌رود و از تجربه کردن معقولانه نمی‌ترسد. دیگری می‌خواهد زندگی‌اش تغییر کند، اما تنها می‌نشیند و نگاه می‌کند تا شاید کسی بیاید و زندگی‌اش را تغییر دهد و هر تلاشی را بی‌فایده می‌داند. در مقام مخاطب، شما از بین این دو نوع روش، کدام را می‌پسندید؟ کسی که خودش تلاش می‌کند و یا کسی که منتظر رسیدن نتیجه تلاش دیگران است؟ فکر می‌کنم خواسته شما با نفر اول مطابقت بیشتری دارد. آری! بهتر است به جای نشستن، بایستیم و زندگی خود را به دست بگیریم. البته در انتخاب مسیر هم باید دقت لازم را داشت تا به بیراهه نرفت.

**حال اگر ما در مجلس کشورمان فردی را داشته باشیم که خودمان انتخاب کرده باشیم و همفکرمان باشد بهتر است، یا اینکه دیگران برایمان فردی را انتخاب کنند و او آنچه دیگران می‌خواهند انجام دهد؟ من می‌خواهم ما به این نکته مشترک برسیم.**

ما می‌توانیم زندگی خود و دیگران را تغییر دهیم، به شرط آن که بخواهیم. در این صورت است که خدا هم به ما کمک خواهد کرد.

انتخابات چیست؟ یک نمایش حکومتی؟ یا یک حرکت در مسیر جمهوری؟ انتخابات چه فایده و ضرری برای ما دارد؟ یا اصلاً به ما چه ارتباطی دارد؟

همه ما مردم در زمان انتخابات دچار این حرف‌ها و تناقضات ذهنی می‌شویم. حالا اینکه اصلاً چطور دچارشان می‌شویم، بماند؛ چرا که خود بحثی جدا می‌طلبد.

اصلاً اول بیایید به معنای انتخابات بپردازیم؛ شاید بگویید که خیلی ساده است؛ بله! ساده است، اما گسسته. انتخابات یعنی انتخاب شدن و انتخاب کردن. ما مردم با دست خودمان انتخاب می‌کنیم، اما چه چیزی را؟ فرد را؟ جناح را؟ یا چه؟ همه این‌ها هست و هیچ کدام از این‌ها نیست. همه این‌ها را ما انتخاب می‌کنیم؛ همچنین، در حقیقت سرنوشت‌مان - که اهمیت بالایی دارد- را با رای و نظرمان انتخاب می‌کنیم.

فرق می‌کند در کشورمان دوره‌ای را با فردی لایق پشت سر بگذاریم یا افراد و گروه‌های نالایق را تحمل کنیم و حتی گاهی خرابی وطن‌مان را به تماشا بنشینیم. البته شاید اینگونه به نظر برسد همه این‌ها در صورتی اتفاق می‌افتد که ما رای بدهیم. پس اگر رای ندهیم، آیا همه چیز خوب پیش می‌رود و مشکلی نخواهد بود؟ ممکن است رای ندادن بهتر باشد؟ نه! با رای ندادن، ما حق انتخاب را از خودمان گرفته‌ایم و در اختیار دیگران قرار داده‌ایم. یعنی، سرنوشت‌مان را به دست دیگران سپرده‌ایم. آیا اینگونه بهتر است؟

اصلاً شاید بگویید که رای ما بی‌تاثیر است و آن‌ها از قبل انتخاب می‌شوند. این سخن وقتی می‌تواند درست باشد



# انتخابات و ظهور

## بهار بیداری و بهار یک انقلاب

مهدی خسروشاهی  
دانشجوی کارشناسی مهندسی شیمی

انتخابات برای یک عده، موقف خیلی مهمی نیست. چیزی عوض نمی‌شود. یکی می‌رود و یکی دیگر می‌آید. همه هم مثل هم. همه بی‌عرضه، بی‌لیاقت، فکرِ دعوای سیاسی خود، بی‌خیالِ دردهای مردم. همه فقط دم انتخابات به فکر مردم، اهل لابی، در خانه‌های راحت و بچه‌هایی که بی‌دغدغه درس خوانده‌اند و در راحتی بزرگ شده‌اند. همه خانه‌هایشان بلاشهر، اهل شعارهای مشمئزکننده بی‌عمل؛ فقط گذشته‌شان انقلابی. پس ولشان کن! وقتی آن‌ها درد ما را نمی‌فهمند، چرا اصلاً باید به آن‌ها فکر کنیم؛ چه برسد به انتخاب کردن و رای دادن به آن‌ها.

اما انتخابات فقط ابزار نیست، بلکه خودش موضوعیت دارد. انتخابات نشان‌دهنده قدرت مردم است. انتخابات بروز دادن آن هویت واحد و قدرتمند جامعه است. وقتی این هویت واحد، خود را نشان می‌دهد، فضا برای رشد تک تک آدم‌ها فراهم‌تر می‌شود. وحدت جامعه وجه ایمانی و الهی جامعه است. در یک فضای ایمانی همه قدرتمندتر و معنوی‌تر می‌شوند. «انتخابات ایزاری» بعد از صندوق رای تمام می‌شود. لذا کسی که قدرت می‌گیرد، با هر مقدار رای، هر غلطی پس‌پرده می‌کند. اما انتخابات حقیقی با صندوق رای باقی می‌ماند. هر کس رای بیاورد، پیش چشم همه است؛ هر کس که باشد، ولو بدترین آدم روی زمین. آن وقت دست قدرت الهی مردم، اجازه نمی‌دهد که او هر غلطی انجام دهد. اصلاً جامعه پای کار، اجازه نمی‌دهد که حتی متصدیان تشخیص صلاحیت‌ها نیز خطا کنند. جامعه غایب، راه را برای خطای مسئولین باز می‌کند.

اشتباه نکنید. اصلاً ماجرا از این هم عمیق‌تر است. ما در هر انتخابات با چهار تا کاندیدای قد و نیم‌قد مواجه نیستیم. بلکه با خودمان مواجه هستیم. ملت با خودش مواجه است.

**ظلم به انتخابات، ظلم به خودمان است. ظلم به نفس نیز ریشه ظلم‌های زیادی در دل جامعه است.**

شیطان یا همان دشمن خارجی نیز به نفسی که به خود ظلم کرده است، بیشتر امید می‌بندد. شک نکنید که با بی تفاوتی به انتخابات، امنیت کمتر خواهد شد. شک نکنید تحریم بیشتر می‌شود. شک نکنید فقر بیشتر می‌شود. انتخاب نکردن خودش یک انتخاب است؛ باید دید چه نصیبمان می‌کند. چه می‌دهد و چه می‌گیرد.

**انتخاب نکردن یعنی فریاد مردم بلند نشود. یعنی قدرت مردم خود را نشان ندهد. یعنی هر طور بخواهند، تفسیرمان کنند و هر بلایی به سرمان بیاورند. مثل دورانی که پادشاهان با جنگ قبیله‌ای روی کار می‌آمدند و مردم سرشان به کارشان بود. جامعه‌ای که فضایش را ضعف و بی‌خیالی بگیرد، تک تک آدم‌ها در آن با یک زندگی بی‌روح و بی‌انگیزه خواهند زیست. بدتر از هر زمان دیگر. در این جامعه قبیله‌ای، حکومت اجنبی زمینه‌سازی می‌شود؛ مثل پهلوی و سپس قاجار. جامعه غایب که در میدان حاضر نیست، به مرور خود را به اجنبی و دشمن می‌فروشد.**



یک روزی یک نادان می‌گفت که بین بنی‌عباس و بنی‌امیه کدام را انتخاب کنم. جواب دادم که انتخاب نکردن، از هر دو بدتر است. چون به معنای انتخاب اراده شیطان است. چون به معنای حاضر نبودن و خود را به دست آن‌ها سپردن است. پس از هر دو بدتر است. چون به معنای خود رارها کردن است. این آدم قدرت تقابل و یا تعامل درست با حاکمان را هم نخواهد داشت. چون نیست و از صحنه غایب است. امام معصوم هم مشغول آوردن مردم پای کار بود، دنبال قیام‌کننده بود. لذا گفت: «ما انت من رجالی و لا الزمان زمانی» و کنار نکشید و کنار نکشیده است؛ پیروزی

## شناسنامه

**صاحب امتیاز:** جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه

**مدیر مسئول:** محمدرضا سلطانی‌وش

**سر دبیر:** معصومه صحت

**ویراستار:** علی پورآذر، امین رستمی

**مدیر هنری و صفحه آرا:** علی خضری

**هیئت تحریریه:** هادی نجفی

فاطمه یوسفی

امین رستمی

رحیمه آذرنیوشه

مهدی محمدیان

ثمین محمدی قشلاق

محمد حسین حاجی‌زاده

گیسو حیدری

علی فرج‌اللهی

مهدیه احمدوند

مهدی خسروشاهی

او در این اسبست که مردم حقیقتا پای کار بیابند. کنار کشیده‌ها یا باید مثل خوارچ "لا حکم الا لله" سر دهند، یا زیر پای حکومت حجاج به پایش بیعت کنند و به زور تن دهند؛ البته هر دو هم به یک جا ختم می‌شود. تکلیف مردم با خودشان روشن باشد، با همه چیز روشن می‌شود. **"من عرف نفسه فقد عرف ربه."**

آری! انتخابات دوران رشد معنوی تک تک ما است. رشد معنوی واقعی جامعه باعث رشد مادی او هم می‌شود. انسان‌های مومن آرماند، پر تلاشند، پرامیدند، صبورند و خسته نمی‌شوند. آری! زمان انتخابات در یک کشور، بهار بیداری و بهار یک انقلاب است. برای همین انتخابات کمر دشمن را می‌شکند. اگر همه ما با این نیت وسط بیاییم و در این دوران کار کنیم، حقیقتا هم وارد مبارزه و هم معنویت می‌شویم. انتخابات را درست ببینیم، تا معلوم شود چگونه هر انتخابات یک گام ما را به ظهور نزدیک می‌کند.



جامعه اسلامی دانشجویان  
دانشگاه ارومیه



## حضور برای ظهور

اللهم اننا نرغب اليك في دولة كريمه دعائ النجاج

هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمی‌دارید يك قدم به ظهور مهدی عجل‌الله نزدیک‌تر می‌شوید. ۱۳۶۱/۳/۲۹



- برای امام زمانم سرباز باشم
- برای نزدیک شدن به ظهور کمک کنم
- برای وضع مطلوب تلاش کنم
- همواره در صحنه حاضر باشم

رأی می‌دهم برای ↑  
ایجاد زمینه ظهور  
چون می‌خواهم...



- رأی نمی‌دهم!**
- چون حضور مردم، ارتباطی با ظهور ندارد... با این کار ↓
  - انزوا پیش می‌آید!
  - برای فرج تلاشی نمی‌شود!
  - توجهی به زمینه‌سازی ظهور نمی‌شود!
  - به وضع موجود قانع می‌شویم!

پنا براین امام زمان عجل‌الله و اهل بیت علیه‌السلام ناراضی هستند...  
اما می‌دانم از این کار